

## فرمان‌روایان مصر از جانب امیرالمؤمنین علی (ع)

دکتر سید جعفر شهیدی

### چکیده:

سرزمین مصر از جهت ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی دارای موقعیتی استراتژیک بود و طبیعی است که هم مد نظر امام (ع) و هم مد نظر معاویه قرار گیرد. مصر در فاصله کوتاهی شاهد سه فرمان‌دار از یاران برجسته امام (ع) بود، که هر سه با نیرنگ معاویه ناکام ماندند؛ قیس بن سعد، محمد بن ابی بکر، مالک اشتر که هرگز به مصر نرسید. قیس در آغاز ربیع الاول سال ۳۷ وارد مصر شد؛ معاویه که با تدبیرهای قیس نتوانست از درون مصر بر او دست یابد، با طرح حیلتی نزد اطرافیان امام او را بدنام و خائن جلوه داد و با استفاده از نادانی برخی بر او ظفر یافت. امام (ع) قیس را به نزد خود خواند و محمد بن ابی بکر را راهی مصر کرد. او نیز به سال ۳۸ در نبرد با سپاه معاویه شهید شد.

### کلید واژه‌ها:

مصر، قیس بن سعد، محمد بن ابی بکر، مالک اشتر.

در میان نامه‌های مولا امیرالمؤمنین علی(ع)، جز وصیت‌نامه معروف او به مالک اشتر، سه نامه دیگر درباره حکومت مصر دیده می‌شود: یکی نامه شصت و دوم است به مصریان، که امام(ع) در آن نامه از بعثت پیامبر(ص) و رحلت او و به هم درافتادن امت و روی گرداندن آنان از خاندان وی و مشکلاتی که برای امام فراهم آوردند، سخن می‌گوید، سپس آنان را بیم می‌دهد که دشمنان از هر سو به شهرهای شما حمله آورده و سرزمین‌های مرزیتان را گرفته‌اند. در این نامه نه از مالک سخنی است و نه از مصریان، لیکن در عنوان نامه آمده است:

«از نامه آن حضرت است به مصریان که با مالک اشتر فرستاد، چون او را به حکومت آن سرزمین گمارد.»

دیگر نامه سی و هشتم است که در آن به مصریان می‌فرماید:

«من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم که در روزهای بیم نخواهد و در ساعت‌های ترس، از دشمن روی برنتابد. بر بدکاران، تندتر بود از آتش سوزان. او مالک، پسر حارث فدحجی است...»

و دیگر نامه سی و چهارم است خطاب به محمد، پسر ابوبکر. این نامه هنگامی نوشته شده است که امام(ع) شنید، محمد از عزل خود و جانشینی اشتر دل‌تنگ شده است. امام بدو می‌نویسد:

«خبر یافتم از فرستادن اشتر برای تصدی کارهایی که در عهده داری، دل‌تنگ شده‌ای. آنچه کردم، نه برای آن است که تو را کندکار شمردم یا انتظار کوشش بیشتری بردم، و اگر آنچه را در فرمان توست، از دست گرفتم، بر جایی حکومت دادم که سروسامان دادن آن بر تو آسان‌تر است و حکم‌رانی‌ات بر آن تو را خوش‌تر...»

می‌دانیم پیش از آن که محمد به حکم‌رانی مصر گمارده شود، قیس بن سعد بن عباده در آنجا امارت داشته است. سپس امام(ع) قیس را از حکومت آن سرزمین برداشته و محمد پسر ابوبکر را بدانجا فرستاده است. پس از چندی، محمد را از کار برکنار کرده و مالک را به حکومت مصر معین فرموده؛ اما مالک پیش از آن که به محل کار خود برسد، شهید شده است.

باید دید چرا در مدتی کوتاه این سه تن جای یکدیگر را گرفته‌اند؛ نیز امام(ع) محمد پسر ابوبکر را در چه تاریخی از حکومت مصر برداشته است.

در مورد نخست، محمد بن یوسف کندی مصری که کتاب اولاء و القضاة را نوشته و تاریخ حکومت حاکمان بر این ایالت را ضبط کرده است، چنین می‌نویسد:

«قیس بن سعد بن عباده انصاری از جانب امیرالمؤمنین علی(ع) والی مصر گردید و در آغاز ربیع‌الاول سال ۳۷ هجری وارد مصر شد. قیس مردی صاحب تدبیر و با کفایت بود. معاویه و عمرو پسر عاص برای برانداختن وی تدبیر می‌کردند و او با زیرکی و حیلت تدبیرهای آنان را باطل می‌ساخت. معاویه از درون مصر بر قیس دست نیافت؛ پس حيله‌ای برانگیخت تا اطرافیان علی(ع) را بدو بدگمان کند و به دست آنان وی را براندازد، و چنین کرد و بعدها به بزرگان قریش می‌گفت: هرگز حيله‌ای چنان که برای برانداختن قیس کردم، به کار نبردم. چون دیدم قیس را نمی‌توانم نزد خود بیاورم، به شامیان گفتم قیس را دشنام مدهید و جنگ او را بخوانید، که وی از دوستان ماست. نامه‌ها و اندرزهای او به ما می‌رسد. نمی‌بینید چگونه دوستان شما را که در آن سرزمین به سر می‌برند نگاه‌داری می‌کند، عطای آنان را به ایشان می‌دهد و به هر کس از آنان که نزد وی رود، نیکویی می‌کند؟ آنگاه این موضوع را به دوستان خود در عراق نوشتم. جاسوسان علی در عراق از

آن آگاه شدند. محمد بن ابی بکر و عبدالله بن جعفر این خبر را به علی (ع) رساندند و قیس را متهم کردند» (کندی مصری، ۱۹۰۸: ۱۲ - ۲۰).

توطئه سبب شد که قیس از حکومت مصر برکنار شود و محمد بن ابی بکر جای او را بگیرد و سپس اشتر به جای محمد برود؛ اما اشتر هرگز به مصر نرسید، و محمد نیز در جنگ با دوستان معاویه که در مصر به سر می بردند، شهید شد.

محمد در چه سالی به مصر رفته و در چه تاریخی از حکومت آن ایالت برکنار شد؟ چنان که ظاهر نامه سی و چهارم نشان می دهد، امام (ع) محمد را از حکومت برداشته و مالک را به جای او گذاشته و نیز چنان که پیداست، این نامه پس از شهید شدن مالک نوشته شده است. اما عزل محمد کی بود؟ و اشتر چه وقت از جانب امام به حکومت مصر منصوب شده است؟  
ابن حجر می نویسد: «علی (ع) وی را در رمضان سال ۳۷ به حکومت مصر فرستاد و از سوی معاویه، عمرو بن العاص به مصر روانه گردید و جنگی میان محمد و فرستادگان معاویه در گرفت و سرانجام محمد در صفر سال ۳۸ شهید شد» (ابن حجر، ۴۹۲۸).

محمد بن یوسف کندی مصری حکومت محمد بن ابی بکر را بر مصر، پس از ذکر شهادت مالک اشتر آورده و می نویسد: «وی در نیمه رمضان سال ۳۷، از جانب امیرالمؤمنین علی (ع) به مصر درآمد» (کندی مصری، ۱۹۰۸: ۶۲ - ۷۲). و هم او می نویسد: «قیس بن سعد، محمد بن ابی بکر را دید و گفت: هر چند امیرالمؤمنین مرا بی هیچ تقصیر عزل کرد، من خیرخواهی را دریغ نمی دارم. تو با معاویه بن خدیج و مسلمة بن مخلد و بسر بن ارطاة و یاران آنان مدارا کن. اما وی برخلاف گفته او رفتار کرد» (همان: ۷۲).

طبری ولایت محمد بن ابی بکر را بر مصر به سال ۳۶ نوشته؛ نوشته او صراحت دارد، که چون محمد به مصر رسید، قیس بن سعد در آنجا بود (ابن حجر، ۵۴۲۳). و به سند خود از حارث بن کعب والبی، از پدرش روایت کند که چون محمد بن ابی بکر به مصر رفت، من با او بودم و او عهد امیرالمؤمنین علی (ع) را بر مصریان خواند (همان: ۶۴۲۳). از طرفی، می دانیم مالک به سال ۳۷ هجری به فرمان امام روانه مصر گردیده و چنان که کندی نوشته است و بسیاری از مآخذ نیز موافق گفته اوست، در قلزیم بر اثر خوردن غسل زهرناک شهید شد (کندی مصری، ۱۹۰۸: ۳۲).

و باز چنان که در ظاهر نامه امام می بینیم، امیرالمؤمنین به محمد می نویسد: «از این که کار تو را به اشتر دادم، آزرده مشو».

پس محمد در سال ۳۷ که اشتر روانه مصر می شود، در آنجا بوده است.

از مجموع آنچه دیدیم، نوشته طبری درست تر به نظر می رسد. امام در آغاز خلافت خود حکمرانان ایالت های اسلامی را معین فرموده و قیس بن سعد را حکومت مصر داده است. دشمنان قیس توطئه ای را آغاز می کنند که گویا طراح آن معاویه بوده است. قیس از حکومت مصر معزول و محمد بن ابی بکر به جای او گمارده می شود؛ ولی در سال ۳۷ همان کسانی که قیس سفارش آنان را به محمد کرده بود، علیه او بر می خیزند و شهر دچار آشوب می شود. امام ناچار مالک را به جای محمد به حکومت مصر معین می کند و این نامه را هم به محمد می نویسد و چنان که نوشتیم، اشتر در میان راه، در ماه رجب سال ۳۷ به شهادت می رسد و محمد، پسر ابوبکر، چند ماهی با مخالفان

درگیری داشته و سرانجام در صفر سال ۳۸ شهید شده است.

#### منابع

ابن حجر، ؟. (۹). الاصابة في تمييز الصحابة.  
کندی مصری، محمد بن یوسف. ۱۹۰۸. الولاة و القضاة. بیروت: مطبعة آباء یسوعیین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

فرماندروایان  
مصر از جانب  
امیرالمؤمنین  
علی (ع)